

نعت او در دست رحمت او و دست ملامت او و قدرت او و وسعت
غای او و واسع مطلق در صفت او است تعالی و تقدس بند چون دانست
سخت صفات حق را با یکدیگر در صفت نیکو با ما بود و خلق آنست که سعی کند
معارف در صفت اول و دست فراخ دارد و از زینار جلال مکتب نکرود
دمازه در وقت که پیش از باشد که حکمت عبارت از جمال خود حسن عمل
قبل حکم میباید حکم است و قبل استوار است نه چیزی و قبل لضع الا شیء
مواضعی است چون شناخت که او است حکم ما بود که راضی باشد و حکم او براند
که حکم او در حکمت با لغت نیست لضع الا شیء و حکم ما بود که در وقت صفات
مشهور بعضی است حکم با پیش و خلق آنست که از آنها در وقت صفت است
که متعلق بکمال نفس او است و هیچ کار در با عینه حلاله او در عینه با کماله متعلق
اطلاق اسم حکم کرد و او در وقت که بکمال است که بکمال است و دست در پیش
فعل است یعنی فاعل یا مفعول تعالی الله تعالی و کماله است او است محبت مبدل
صالح از انبیا و اولیا یعنی راضی است از ان مبدلکان و او است محبت مبدلکان
که در وقت صفات اولی است از خود فرموده او است و هم العفو الودود
در تقدیم اسم شعور بر اسم و در وقت است بسوی آنکه عاصیان با امید باشد
یعنی اول عبا معصیت را بکفایت از رخساره حال عاصیان بر می خیزد و یک
میکرد و بعد از آن در دایره محبت بماند خودی در آدم فعل کل فعل عا ش کلمه اولی
است از من که از من است و در ذکر آدم خودی در آدم فعل کل فعل عا ش کلمه اولی
دین باشد و حقیقتاً حقیقتاً بکماله است که در وقت است که محبت
محبوبان حق ثابت قدم باشد و در طریق حجابی بنابر جمود و نوحه استقامت و زود در

دانشان

دوستان حق را در سید عظمی بر این حصول مقصود و در این خود نشانی خصوصاً
محبت سید المرسلین محمد رسول الله که محبوب ترین محرابان است بر لیل صبح
قدسی اولاً که لیا کشف الله لک و محبت ترین محرابان است بر لیل صبح
تا او ذی بنی مشال ما او ذی است که محبت و اطاعت او عین محبت و اطاعت
حق است قال الله تعالی و من یطع الرسول فقد اطاع الله و من عصى الله عصى الله
صد او محبت بر خدا است محبت رسول خدا است در ظاهر و باطن همین بنا است
سبب محبت و مغفرت و از این بنا است که در احوال الله تعالی را که در
کرمون الله فاعلموا فی حقیقتهم الله و یعرفوا کم ذلکم و لعل فضل الله
بر تیره می آید عا لجمید میباید با جود است و محبت بر یک است امام محمد
غزالی فرموده که محبت کسی که شریف باشد ذات او و جلال باشد ذل
و عزیز باشد ذل او پس اسم محبت جامع مع جلیل و عاب و بر یک است
چون دانست که او است محبت با یک که در حمد و ثنای او باشد و شک عطا او را
فرموده از خود در مبدل کردن با یک از خواب و فرستادن که برای کارهای است
سجده بر آنکه نکرده هر دو از قبور مبدل کننده و الهای غافلان از خواب غفلت
و غرور و فرستادن سخنران بسوی خلق برابر است اولیا و محبت بر عباد
کفته اند که او است بر آنکه نکرده آنها بر کارهای نیک پس چون را با یک از خواب غفلت
مبدل کرده و در زود محبت و نشانه بر او کرد و خود را بکار آفرین مشغول دارد و خلق
آنست که دل مرده جاهل را برابر آنکه جمل موت دل است معلوم که سبب حیات

Copyrighted by University